

متن پرسش

با سلام: من خانمی ۲۳ ساله با ۱ پسر ۲ و نیم ساله و خانه دار هستم. در آزمون حوزه علمیه و مصاحبش قبول شدم. حال مانده ام سر ۲ راهی که بروم یا نه؟ عده ای می گویند شوهرداری واجبتر است؟ من چه کنم استاد، فرزندم را بزارم مهد و برم حوزه یا بشینم تو خونه؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر می‌رسد تربیت فرزند و رعایت نیازهای خانه کار مهم‌تری است، به‌خصوص که باید تلاش کنید برای تحویل فرزندان بی‌شمار به جامعه. شواهد فراوانی در میان است که نشان می‌دهد فرهنگ غربی علی‌رغم ظاهری که برای خود می‌آراید، تمدنی خسته و وامانده است و از آن عزم و اراده‌ای که موجب تمدن غربی شد چیزی جز خاکستر باقی نمانده و از آن انعطاف‌هایی که بعضاً برای ادامه‌ی خود از خود نشان می‌داد دیگر خبری نیست. حتی نمی‌تواند جای نسلی که پیر می‌شود و می‌میرد را با ازدیاد نسل و حفظ خانواده جبران کند و با پذیرفتن نظریه‌ی مبتذل مالتوس در رابطه با ازدیاد جمعیت، گرفتار یک نوع عقیم‌شدن در آینده‌ی خود شده در حالی که بر اساس آموزه‌های دینی زن اصیل و صاحب روحیه‌ی طبیعی نمی‌خواهد رفیقه و معشوقه‌ی مرد باشد، بلکه می‌خواهد «مادر» باشد، آن‌هم نه مادر یک فرزند که برایش بازیچه و سرگرمی است بلکه مادر فرزندان بی‌شمار. در تمدن غربی و در شهرهای بزرگی که بر اساس تمدن غربی ساخته شده، رقابت در هرچه بیشتر ارضاء کردن امیال شهوانی مردان است و نه رقابت در مادرشدن و این نشانه‌ی خاموشی یک تمدن است که مردان نمی‌توانند و نمی‌خواهند پسران توانا و زرنگ داشته باشند تا زندگی آن‌ها همچنان شکوفا بماند. اضمحلال خانواده به این معنایی که عرض شد نتیجه‌ی وجود شهرهای بزرگ است که دیگر تمدن غربی نمی‌تواند از آن فرار کند و همین امر یعنی بی‌قیدی نسبت به خانواده، به معنای غفلت از داشتن فرزندان زیاد، هر روز اوضاع را بدتر از قبل می‌کند و دیگر هرکس برای خود زندگی می‌کند نه برای آینده و نه برای نسل‌های آینده. آیا این روحیه به تنهایی برای افول غرب کافی نیست؟ وقتی انسان‌ها در فرزندان خود ادامه نمی‌یابند سعی می‌کنند هرچه بیشتر در همین دنیا زنده بمانند هرچند با انواع بیماری‌ها دست به گریبان باشند و با کلکسیون‌های بیماری‌ها و مجموعه‌ای از داروها دست به دامان پزشکان گردند، در حالی که پزشکان در این حال مرگ را برای آن‌ها طولانی می‌کنند و نه زندگی را. این مسلم است که افراد برجسته و مهم به ندرت نخستین فرزند خانواده‌ها هستند، تقریباً هیچ‌وقت نیز یگانه فرزند خانواده نیستند. خانواده‌ای که فرزندان محدود به جامعه تحویل می‌دهد

تنها از نظر کمیّت به جامعه زیان نمی‌رساند بلکه از لحاظ کیفیت نیز آن جامعه و آن نژاد را ناتوان می‌سازد زیرا جامعه‌ی خود را از مردان و زنان ممتاز و برگزیده و هدایت‌گر محروم کرده است. تاریخ ما، ما را به جامعه‌ی امروزینمان تحویل داده تا این سلسله همچنان ادامه یابد، ولی اگر ما سرنوشت خود را از فرهنگ غربی که در حال خاموش شدن است جدا نکنیم، با عقیم‌شدنی که آینده‌ی ما را تهدید می‌کند، فرزندان‌ی نخواهیم داشت که به تاریخ فردای خود تحویل دهیم آیا زنان ما هنوز متوجه رسالت فرزندآوری در تاریخی که شروع کرده‌ایم نشده‌اند؟ موفق باشید